

مطالعه و بررسی تمغاهای سکه‌های خوارزم باستان

سارا روحانی

sarah_rouhani@yahoo.com

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۵)

چکیده

مطالعه سکه‌ها سهم مهمی در شناخت آداب و رسوم، خط و زبان، وضعیت اجتماعی و اقتصادی یک سرزمین دارد. سرزمین خوارزم در آسیای میانه قرار دارد و از زمان‌های قدیم مهد قوم آریا بوده است. عصر خوارزمی از حدود قرن اول تا پایان قرن نهم میلادی را شامل می‌شود و در این دوره نقوش تمغا بر روی سکه‌های خوارزم ضرب می‌شد. تمغا مهر و نشانی است که بر اسناد و فرمان‌ها زده می‌شد این واژه از زبان اویغوری به زبان مغولی راه یافته و از آن به عنوان واژه‌ای مغولی-ترکی یاد می‌شود. در پشت سکه‌های خوارزم، ۱۴ نوع تمغا ثبت شده که بیشتر این تمغاها به منزله نشانه‌های سلسله‌ای و اجدادی شاهان خوارزم است و تغییرات تمغاها فقط به سبب تحولات در خاندان‌ها و سلسله‌های شاهی رخ می‌دهد. پژوهش حاضر با هدف مطالعه و شرح و توصیف تمغاهای سکه‌های خوارزم صورت گرفته همچنین تعریف تمغا و معانی دقیق و کاربردهای مختلف این واژه مغولی به همراه تصاویر تمغاهای سکه‌های خوارزم ارائه و مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: ایران باستان، خوارزم، سکه‌های خوارزم، تمغا.

مقدمه

سرزمین خوارزم در آسیای میانه قرار دارد و در فرهنگ دهخدا از آن با نام‌های خوراسمیه و خوراسمیا یاد شده است و نام ناحیه‌ای است که در سفلائی رود جیحون قرار داشته و از زمان‌های قدیم مهد قوم آریا بوده است (دهخدا، ۱۳۴۷، ص ۸۰۰). در روزگاران کهن دلتای آمودریا یعنی خوارزم مرکز فرهنگی مهمی محسوب می‌شد (зеймал, 1983:232). خوارزمیان، جزو قبایل ایرانی بودند که احتمالاً از اوایل هزاره دوم پیش از میلاد به آسیای میانه روی آوردند و در نقاط مختلف آن جای گرفتند. این قوم با وجود نزدیکی بسیار زیاد با سغدیان و سکاها دارای حکومت، زبان، فرهنگ، خط و تقویم جداگانه‌ای بودند (یارشاطر، ۱۳۳۱، ص ۵۸۵-۵۸۴). سال‌های طولانی در سرزمین خوارزم، ضرب سکه با حفظ و گسترش سنت یکپارچه نقش روی سکه‌ها انجام می‌گرفت و مردمان این سرزمین بدون هیچ وقعه‌ای به ضرب و تولید سکه می‌پرداختند (Vaynberg, 1977:73). مطابق منابع سکه‌شناسی، در قرون دوم و اول پیش از میلاد در منطقه باختر شمالی، یک و یا چند حکومت وجود داشته که در آنها کوچ‌نشینانی که بر این منطقه استیلا یافته بودند، رسوم حکومت یونانی باختر را در سکه-زنی ادامه می‌دادند (Vaynberg, 1977:74). با توجه به مدارک باستان‌شناسی و نوشته‌های نویسندگان دوران اسلامی به این نتیجه می‌توان رسید که در آسیای میانه، فرمانروایان محلی فراوانی وجود داشته (فرای، ۱۳۸۵، ص ۳۹۱) که هر یک دارای سازمان سیاسی خود بر

پایه تیره و یا قبیله ایرانی بوده‌اند (فرای، ۱۳۸۰، ص ۱۰۳). سکه‌های کشف شده از این منطقه فرهنگی به دلیل اینکه نماینده عادات و آداب و رسوم و خط و زبان و هنر و وضعیت اجتماعی و اقتصادی این سرزمین هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، که از این میان بررسی تصاویر روی سکه‌ها، نویسه‌های خطی و نقوش تمغاها بسیار ارزشمند است. بر پشت سکه‌های خوارزم باستان ۱۴ نوع تمغا ثبت شده و پژوهش حاضر با هدف شرح و توصیف این تمغاها صورت گرفته و تصاویر آنها ارائه شده است.

تعریف تمغا

تمغا یا تمگا، مهر و نشانی بود که با مرکب سرخ یا شنگرف بر اسناد، نامه‌ها و فرمان‌ها می‌زدند. در متون اسلامی این واژه بصورت آل تمغا، تمغاء آل، آلتمغا، آل طمغی و یک مورد نیز بصورت تمقا ثبت شده است. واژه آل تمغا مرکب از دو جزء است، بخش اول آل به معنای قرمز و گل بهی و بخش دوم تمغا به معنای مهر و نشان، که در مجموع نوعی مهر است. واژه تمغا از زبان اویغوری به زبان مغولی راه یافته ولی معمولاً از آن به عنوان واژه‌ای مغولی-ترکی یاد می‌شود (کیوانی، ۱۳۷۴، ج ۱/۶۶۱).^۱ برخی معتقدند که اصل این واژه در پارسی «تمگا» بوده که وارد زبان‌های ترکی و مغولی شده و سپس دوباره به شکل تمغا وارد زبان پارسی شده است (فرخ، ۱۳۸۸، ص ۵۸). در فرهنگ دهخدا، واژه «تمغا» اینطور بیان می‌شود: «در ترکی به معنای نشان و مهر و داغ که بر ران اسب می‌نهند» (دهخدا، ج ۱۱/۹۵۲). در فرهنگ معین نیز این

^۱ تمغا و طغرا از نشان‌های دولتی محسوب می‌شوند که علاوه بر تأیید رسمی نامه‌ها و مرسوله‌های اداری، قدرت اجرایی آن دولت‌ها را ارتقاء بخشیده و گاهی از کلمه یرلیغ به عنوان مترادف طغرا استفاده می‌کردند.

مطالعه و بررسی تمغاهای سکه‌های....

یونانی باختر ضرب شده‌اند، ظاهر گردید، یعنی زمانی که طبق اطلاعات منابع چینی، قبایل کوچ‌نشین یونان بزرگ به خاک یونان باختری هجوم بردند و ظهور این تمغاهای تأیید کننده این واقعیت است که این سلسله‌ها با «دودمان چژائوی یونان» مرتبط هستند. البته با توجه به منابع و مطالب سکه‌شناسی، می‌توان اینطور تصور کرد که در خاک سغد در قرون دوم و اول قبل از میلاد، اتحادهای سیاسی ای بوجود آمدند که ریاست آن‌ها را حاکمان کوچ نشینی بر عهده داشتند که متعلق به دودمان یونان چینی‌ها بودند. حکومت آن‌ها قبل از آغاز قرن اول پیش از میلاد به خوارزم نیز گسترش یافت که نتیجه آن پیدایش ضرب سکه به تقلید از تتر دراکما های اوکراتید^۳ بود. (Vaynberg, 1977, p.76).

بدین ترتیب، با توجه به تمام اطلاعات موجود، می‌توان بصورت بسیار مشخصی از منشاء سلسله خوارزمیان سخن گفت. این سلسله همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، از یک قبیله کوچ نشین نشأت گرفته بود که در نابودی دولت یونانی باختر حضور داشت و براساس تمغاهای این قبیله و یا قبایل تحت عنوان «یونان چینه‌های دودمان چژائو» با یکدیگر متحد بودند و در واقع منشاء «سرمتی» داشتند (Vaynberg, 1977, p.77). علیرغم این که بسیاری از پژوهشگران به شباهت رایج‌ترین تمغاهای خوارزمی با کوشانیان اشاره کرده‌اند، ولیکن تمغاهای خوارزمی همانند تمغاهای سغد و بخارا از

واژه به معنای علامت یا مهری است که در قدیم به فرمان‌های شاهی می‌زده‌اند و به منزله امضاء بوده است (معین، ۱۳۶۰، ص ۱۱۴۱). بطوری که اشاره شد، تمغای مهری است که بر فرامین و احکام می‌نهادند و انواع مختلفی دارد، از جمله آن‌ها می‌توان آلتون تمغا، تمغای پیکی، تمغای سواری، تمغای شهر، قره تمغا، تمغای یشب (یشم) را نام برد (آبادی باویل، ۱۳۵۱، ص ۴۹۳-۴۹۸).^۲

تمغاهای سرزمین خوارزم

عهد خوارزمی حدوداً از قرن نخست بعد از میلاد آغاز شده و تا اواخر قرن نهم میلادی نیز ادامه داشت و در طی این دوره نقش تمغا بر روی سکه‌های خوارزمی، بدون هیچ وقفه‌ای ضرب می‌شد. تمغاهای خوارزمی به منزله نشانه‌های سلسله‌ای و اجدادی شاهان خوارزم محسوب می‌شوند (Vaynberg, 1977, p.34) و از نظر نقش، بسیار شبیه به تمغاهای «حاکمان و فرمانروایان» سمرقند و بخارا هستند که در قرون چهارم تا هشتم میلادی سکه ضرب می‌کردند. مطابق تواریخ چینی اوایل قرون وسطی منشاء مشترک پیدایش سلسله‌های سمرقند، بخارا و خوارزم با توجه به شباهت تمغاهای این سلسله‌ها که در یک گروه از طبقه‌بندی هستند، مورد تأیید قرار می‌گیرند. تمغاهای این گروه برای نخستین بار در نیمه دوم قرن دوم قبل از میلاد بر روی سکه‌های آسیای میانه که از روی نمونه سکه‌های








^۲ ر.ک.: آبادی باویل، ۱۳۵۱، ص ۴۹۳-۴۹۸.








با اوکراتید پرداخت. اوکراتید به دست یکی از پسرانش هلیوکل کشته شد. پسرش از روی پیکر پدر گردونه گذراند و اجازه نداد تا او را به خاک بسپارند (ر.ک. مالکوم کالج، اشکانیان، برگردان مسعود رجب‌نیا، انتشارات هیرمند، چاپ دوم ۱۳۸۳).

^۳ اوکراتید یکم (به یونانی: Ευκρατίδης) یکی از برجسته‌ترین پادشاهان دولت یونانی باختر بود که میان سال‌های ۱۷۰-۱۴۵ پیش از میلاد فرمان می‌راند. او پادشاهی فرزندان اوتیدم یکم را برافکنند و خود به جای او بر تخت سلطنت نشست و خاندان خویش را روی کار آورد. در حدود سال ۱۶۰ پیش از میلاد مهرداد یکم در راستای گسترش مرزهای اشکانی به جنگ

تمغای دیگر فقط به سبب تحولات در خاندانها و سلسله‌های شاهی رخ می‌دهد (Vaynberg, 1977, p.76).

همانطور که پیشتر اشاره شد، در پشت سکه‌های سرزمین خوارزم باستان ۱۴ نوع تمغا ثبت شده که در ذیل تصاویر آنها ارائه شده است (Vaynberg, 1977, p.73).

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|--|
| 1 | 2 | 3 | 4 | 5 | 6 | 7 |
|  |  |  |  |  |  |  |

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|--|
| 8 | 9 | 10 | 11 | 12 | 13 | 14 |
|  |  |  |  |  |  |  |

(T₂)، (T₄)، (T₅)، (T₁₃) از شباهت بیشتری برخوردارند و فقط براساس اصل عدم تقارن ساخته شده‌اند (Vaynberg, 1977, p.35). ضمناً دو جفت تمغای یک نقش نیز در بین این تمغاها وجود دارد که شامل تمغاهای (T₅ - T₁) و (T₄ - T₂) است که تفاوت آنها فقط در چرخش «شاخه بالایی» به سمت راست و یا چپ خلاصه می‌شود، که البته این اختلافات اتفاقی نیستند و احتمالاً بیانگر مالکیت تمغا به خانواده‌ها و یا «شاخه‌های سلسله» است (Tolstove, 1938, p.129). تمغاهای T₁₃، T₁₄ نیز به دلیل شباهت با تمغاهای اصلی خوارزم دارای پیوستگی هستند. می‌توان تمغاهای (T₆)، (T₇)، (T₈)، (T₉)، (T₁₀)، (T₁₁)، (T₁₂) را در یک گروه قراردادی تحت عنوان «تمغاهای بیگانگان» در میان سکه‌های سرزمین خوارزم قرار داد (Vaynberg, 1977, p.38). در این بخش شرح و توصیف هر کدام از تمغاهای سکه‌های خوارزم باستان ارائه شده است.

نظر شکل و طرح با تمغاهای کوشانی، بسیار متفاوت هستند. تمغاهای کوشانیان در انتقال آن از یک شاه به شاه دیگر و یا حتی در محدوده سرزمین و قلمرو شاه تغییر می‌نمایند. در صورتی که در تمغاهای خوارزمی - سغدی - بخارایی، تغییرات شکل تمغا در هنگام گذار آن از یک شاه به شاه دیگر به مانند قبل باقی می‌ماند و تغییر نمی‌کند. ولیکن تغییر یک تمغا و تمایز آن با

تمغاهای (T₁) تا (T₅) جزو تمغاهای اصلی خوارزم محسوب می‌شوند و از این میان تمغای (T₄) به عنوان تمغای سنتی شاهان خوارزم معروف و شناخته شده که این امر حاکی از پیوستگی این سلسله است و در بسیاری از سکه‌های خوارزم این نوع تمغا مشاهده می‌شود (Vaynberg, 1977, p.35). این تمغا در کنار نقوش و تصاویر دیگر برای زمانی طولانی بر روی سکه‌های شاهان خوارزم وجود داشت و این دوره را می‌توان عصر سلسله‌ای با تمغای (T₄) در نظر گرفت، زیرا حاکمینی که گاه‌گاهی با تمغاهای دیگر ظاهر می‌شدند، بسیار سریع از صحنه سیاست خارج می‌شدند، ولیکن آنانی که از این نوع تمغا به عنوان سمبل و نماد حکومت خویش استفاده می‌کردند، سبب تداوم حکومت خود می‌شدند (Vaynberg, 1977, p.79). ابوریحان بیرونی سلسله‌ای را که مالک و صاحب این تمغا محسوب می‌شود را سلسله «سیاوشیان» و ابن - خردادبه «خوارزمشاهیان» نامیده است. در میان تمغاهای خوارزمی، برخی تمغاها به مانند (T₁)،

تمغای (T₁):

۲. با در نظر گرفتن وضعیت سیاسی در آسیای میانه اواخر قرن دوم تا اواخر قرن نخست پیش از میلاد، زمانی که ارتقای کوشانیان صورت گرفت، سلسله محلی خوارزم با خاندان کوشانیان متحد می‌شوند که این اتحاد در شکل جدید تمغا انعکاس می‌یابد، که اقتباسی از بخش پایینی تمغاهای کوشانی است (Vaynberg, 1977, p.36-37).

این تمغا برای نخستین بار، بر روی سکه‌های ابتدایی این سرزمین که به تقلید از تترادراخماهای اوکراتید ضرب شده است، ظاهر گردید. این تمغا با تولید و ضرب سکه‌های کوشانی، جای خود را به تمغای (T₂) داد. با تکیه بر اطلاعات سکه‌شناسی خوارزم برای جایگزینی این دو تمغا می‌توان دلایل زیر را ذکر کرد: ۱. جایگزینی گروه‌بندی‌های حاکم بر حسب نوع تمغاهایی که خویشاوند هستند صورت گرفته است.

تمغای (T₂):

شده و با تمغای (T₄) نیز متقارن است و همانطور که قبلاً اشاره شده، این شباهت و تقارن اتفاقی نبوده و نشان‌دهنده مالکیت تمغا به خانواده‌ها و شاخه‌های سلسله است (Tolstove, 1938, p.129).

این تمغا متعلق به گروه دوم از سکه‌های سرزمین خوارزم است و نسبت به گروه اول که تقلیدی از روی سکه‌های تترادراخماهای اوکراتید است، بیشتر دست-خوش تحریفات شده است (Vaynberg, 1977, p.36-37) و بخش پایین آن بصورت خطوط شکسته نقش

تمغای (T₃):

از نظر نقش تمغاهایشان در بخش پایه تمغا با هم متضاد هستند و در بخش بالایی هر دو شاخه‌هایشان به سمت چپ نقش شده، می‌توان اینطور نتیجه گرفت که تمغای (T₃) به معنای وحدت دو تمغای متضاد بوده و البته بیانگر وحدت گروه‌های حاکم نیز هست (Vaynberg, 1977, p.36-37).

این نوع تمغا فقط دو بار و آن هم با فواصل زمانی زیاد در ضرب سکه‌های خوارزمی مشاهده شده است. این تمغا برای نخستین بار بر روی سکه‌های معروف گروه سوم که آنها را تحت عنوان «شاه بی نام» در سرزمین خوارزم می‌شناسند، ظهور کرد. با توجه به این که سکه‌های گروه اول و دوم خوارزم،

تمغای (T4):



حاکمان آن‌ها برای مدت بسیار کوتاهی بر سر قدرت باقی می‌ماندند، ولیکن آن دسته از حاکمان که تمغای T4 را بر روی سکه‌های خود انتخاب می‌کردند، مدت طولانی بر سر قدرت باقی می‌ماندند. این تمغا علیرغم این که نمایندگان دیگر طوایف و قبایل به گرات در سرزمین خوارزم به قدرت می‌رسیدند، تا قرن نهم میلادی به عنوان تمغای سنتی، خصوصاً در سکه‌هایی که جنس آن‌ها نقره‌ای بودند، باقی ماند (Vaynberg, 1977.p.38).

همانطور که قبلاً اشاره شد، این تمغا به عنوان تمغای شاهان و تمغای سنتی خوارزم محسوب می‌شود. با توجه به شباهت دو تمغای گروه T4 و T2 می‌توان اینطور گفت که شباهت پایه این دو تمغا با تمغای کوشانیان، بیانگر خویشاوندی این دو قوم با هم بوده و در بخش بالایی که بخش اصلی تمغا نیز محسوب می‌شود، به خویشاوندی نزدیک گروه‌های قومی‌ای اشاره دارد که در تخت سلطنت می‌توانستند، جانشین یکدیگر شوند. تمغاهایی که شاخه بالایی آن‌ها به سمت چپ تمایل دارد، یعنی تمغاهای گروه T2،

تمغای (T5):



گروه T5 بر روی سکه‌های بخارا، احتمالاً متعلق به نیمه دوم قرن دوم است. البته ممکن است که تمغای گروه T5 همزمان با تمغای گروه T1 که بر روی سکه‌هایی که به تقلید از تترادراخماهای اوکراتید ضرب شده بودند، ظاهر شده باشند (Массон, 1953:167-169). البته همزمانی پیدایش این گروه از تمغاها نشانگر استقرار قبایل کوچ نشینی است که در نابودی یونان باختر شرکت داشتند. که تواریخ چینی از این قبایل، تحت عنوان «یوئه چیان بزرگ» یاد می‌کند (Бичурин, 1950.p.151).

همانطور که قبلاً اشاره شد، این تمغا با تمغای T1 قرینه و متقارن است و برای نخستین بار به تقلید از سکه‌های شاه یونانی باختر به نام اوتیدم، در سرزمین سغد ضرب شده است (Массон, 1955:41-46). ماسان^۴ تاریخ ایجاد این تمغا را متعلق به حدود نیمه اول قرن دوم پیش از میلاد و در تاریخ گذاری بعدی نیمه دوم قرن دوم پیش از میلاد تعیین کرد (Массон, 1966:80). لیو شیتس^۵ معتقد است که تاریخ ایجاد این تمغا متعلق به قرن نخست پیش از میلاد است (Лившиц, Луконин, 1964, 169). به هر حال می‌توان اینطور تصور کرد که تمغای خوارزمی

⁵ Livshits.

⁴ Masson.

تمغای (T6):



55. این تمغا بصورت بسیار گسترده‌ای در ظروف سفالی آثار فرهنگ کائونچی^۷ مشاهده شده است. در آثار این فرهنگ، دو نشانه «قوچ و شاخ» به عنوان سمبل به چشم می‌خورد (گرگورف، 1935. p.65). به عقیده لیتوینسکی^۸، در نزد ساکنین منطقه تاشکند و برخی مناطق مجاور فرّه به شکل «گوسفند» نشان داده شده است (لیتوینسکی، 1968. p.123) و در آثار این فرهنگ، «قوچ» حیوانی دینی به شمار می‌آید (سمرنوا، 1958. P.278). نقش این تمغا علاوه بر سکه‌های خوارزم، در سکه‌های ساسانی یافت شده در تاجیکستان و بر روی سکه‌های حاکمان ناشناخته سرزمین سغد نیز مشاهده شده است (لیتوینسکی، 1968. p.3,109).

این تمغا مورد توجه خاص پژوهشگران سکه‌های خوارزمی قرار گرفته، زیرا از نظر شکل ضرب، این تمغا در تعداد قابل ملاحظه‌ای از سکه‌های کوشانی با منشاء خوارزمی جای گرفته بود (Tolstov, 1948). (pp.57-59) علاوه بر این، این تمغا بر روی سه گروه از سکه‌ها قرار گرفته بود که شامل دو سکه نقره‌ای و یک سکه مسی است. از نظر گاهشماری این تمغا را می‌توان متعلق به قرن نخست تا نیمه دوم قرن سوم میلادی دانست. احتمالاً ضرب یا تولید سکه‌هایی با تمغای (T6) حدوداً با زمان حاکمیت شاه وازامار^۶ مرتبط است (Vaynberg, 1977. p.39). این تمغا از خطوط موزون برخوردار است و شبیه S لاتین است. در ادبیات به کرات درباره ارتباط این نشانه با «شاخ-های قوچ» بیان شده است (گرگورف، 1948. pp.54).

تمغای (T7):



را شاه وازامار 'MLK' wzm'r قرائت کرد (Vaynberg, 1977. p.40). در نتیجه سکه‌هایی که دارای این تمغا هستند، متعلق به شاه وازامار است (گرگورف، 1948. p.55). این تمغا تا قرن هشتم نماد سرزمین خوارزم محسوب می‌شد.

این نوع تمغا، نشانه‌ای خورشیدی و به شکل صلیب شکسته با سرهای گرد شده است (Tolstov, 1963. pp.67-65). لیوشیتس به کمک رونوشت‌ها و نسخه‌های خوانا از این سکه‌ها، که دارای چنین تمغایی هستند، نام شاه روی این گروه از سکه‌ها

Negmatov, v.v: "ustrushana, Ferghana, chach and Ilak", in: Central Asia, Vol.III.

⁸ Litvinsky.

^۶ شاه وازامار (wzm'r) احتمالاً متعلق به قرن سوم میلادی است و این نام در فهرست اسامی شاهان ابوریحان بیرونی ذکر شده است. (ر.ک. Vaynberg, 1977. p.41).

^۷ کائونچی (Kaunchi) دوم در سده چهارم تا سده پنجم میلادی می‌زیست و آبادی‌ها و دژهای زیادی را ساخت. (ر.ک. به:

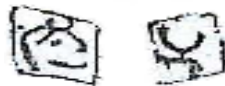
تمغای (T8) :



تمغای (T7) متعلق به شاه وازامار است و براساس اطلاعات سکه‌شناسی، پس از رسیدن به خوارزم تا قرن هشتم به عنوان نماد این سرزمین حفظ می‌شود. تولید سکه‌هایی با تمغای (T8) در خوارزم بیانگر جنگ قدرت در کشور در دوران پس از فرمانروایی شاه وازامار است یعنی آن هنگام که دست نشاندگی‌های شاهان ساسانی یا والیان ایشان وارد صحنه قدرت شدند (Vaaynberg, 1977, p.38-40).

این تمغا نیز مانند تمغای (T7) نشانه‌ای خورشیدی است و جزو سمبل‌های باستانی محسوب می‌شود و به شکل نشانه‌ای سه سر است (Смирнова, 1958, p.259-260). در دو منطقه باختر و سغد، سکه‌ها و ظروف سفالینی شبیه به چنین نشانه‌ای یافت شده که البته این نوع تمغاها دارای خطوطی گرد و اغلب دایره‌ای در مرکز است (Соломоник, 1959, p.23). این تمغا نیز همانند

تمغای (T9) :



خوارزم است ولیکن بطور حتم از آنها متمایز است. پایه خمیده این تمغا در برخی از نشانه‌های ساسانی نیز دیده می‌شود (Борисов, Луконин, 1963, p.41).

این نوع تمغا در سکه‌های حوزه شمالی دریای سیاه نیز مشاهده شده است (Соломоник, 1959, p.23) و با توجه به شکل ظاهری اش شبیه به تمغا‌های سرزمین

تمغای (T10) :



نقره‌ای و همچنین در پشت و روی سکه‌های مسی از زمان سلطنت شاپور دوم ظاهر شده‌اند (Борисов, Луконин, 1963, p.40-44). تا جایی که به سکه‌های دارای تمغای (T10) مربوط می‌شود و باستان‌شناسی شهرک توپراک-قلعه اجازه می‌دهد، می‌توان آن‌ها را پس از سکه‌های دارای تمغای سه سر (T8) قرار داد و به دوران شاهنشاهی شاپور دوم منتسب کرد. به همین دلیل می‌توان منشاء این تمغا را به ایران ساسانی مرتبط ساخت. این تمغا نیز همانند

این تمغا با تمام شباهت ظاهری که به تمغا‌های خوارزمی دارد، ولیکن از نظر بخش بالایی‌اش با این گروه از تمغاها متفاوت است. تمغای (T10) از نظر شکل، مشابه نشانه‌های ساسانی نقر شده بر روی سکه‌ها و مهرها است. لوکونین^۹ این تمغا را مانند تمغای خویشاوندی نمی‌داند. او حتی آن را به عنوان تمغا‌های سلسله حاکم نمی‌پذیرد و این گونه تمغا را به صورت نشانه‌هایی در آتشکده‌های ایران ساسانی عنوان کرده است. این نشانه بر روی سکه‌های کوچک

⁹ Lokonin.

مطالعه و بررسی تمغاهای سکه‌های....

تمغای (T9) در سکه‌هایی مشاهده می‌شود، که از حوزه شمالی دریای سیاه کشف شده است (Соломоник, 1959.p.23). سکه‌های دارای

تمغای (T11) :



براساس منابع سکه‌شناسی سرزمین خوارزم این نوع تمغا به احتمال زیاد، یک بار در میان قرون هفتم و هشتم میلادی ظاهر شده و بر روی سکه‌های مسی شاه خوارزمی به نام wyk'nčw'r، یعنی آزکاتسوار^{۱۰} نقر شده است. این تمغا گاهی با تمغای سنتی خوارزم نیز ترکیب شده است (Vaynberg, 1977.p.41). نمونه ابتدایی این تمغا را بر روی سکه‌های هیاطله مکشوفه در چاگانین^{۱۱} که از روی نقش درهم پیروز ساسانی اقتباس و تولید می‌شد، می‌توان مشاهده کرد. بر روی درهم پیروز به موازات نشانه ساسانی ، نشان تمغای  نیز گنجانده شده است (Вайнберг, 1971.p.139). این نوع تمغا فقط از نظر داشتن پایه‌ای به شکل خط، متمایز است. مرحله


تمغای (T12) :



این نوع تمغا اغلب بر روی سکه‌هایی که در حفاریات بخش سفلاهی آمودریا کشف شده‌اند، به دست آمده

^{۱۰} آزکاتسوار اول wzk'nšw'r، چگان، در سال ۷۱۲ کشته شد و در فهرست اسامی شاهان ابوریحان بیرونی تحت عنوان «آزکاجاوار» شناخته می‌شود. (ر.ک. Vaynberg, 1977.p.41)

تمغاهای (T10) و (T9) توأمان در حفاریات باستان-شناسی یافت شده‌اند (Vaynberg, 1977.P.38-39).

گذار از تمغای  هیاطله به تمغای دارای پایه را می‌توان در سکه‌ها به وضوح مشاهده کرد. تولیدات سکه‌های ابتدایی شاه آزکاتسوار با سوراخی گرد در مرکز درون تمغا، نشاندهنده سکه‌هایی است که در قرون هفتم تا هشتم در باختر ضرب می‌شدند و این امکان را پیش روی قرار می‌دهد که نام شاه چگان و نیز تمغای متعلق به وی با تمغای نقر شده بر روی سکه‌های آزکاتسوار مرتبط دانسته شوند. شایان ذکر است که تمغای آزکاتسوار از تمغای حاکمان هیاطله اقتباس شده است. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که شاه آزکاتسوار و چگان هر دو یک شخص واحد هستند و این تمغا به عنوان تمغای قبیله‌ای کاربرد داشته است (Vaynberg, 1977.p.41).

است. با توجه به داده‌های باستان‌شناسی، این سکه‌ها احتمالاً متعلق به حاکم ویژه کرد^{۱۲} یعنی خسرو است

^{۱۱} Chaganin.

^{۱۲} خسرو حاکم کرد (Kerder)، متعلق به قرن هشتم میلادی است و در فهرست نام شاهان خوارزمی ابوریحان بیرونی با نام «آزکاجاموک» شناخته می‌شود. ر.ک. Vaynberg, 1977.p.81.

مشابه با این تمغا، اینطور می توان استنباط کرد که این نوع تمغا در زمان های مختلف در منطقه بسیار وسیعی رواج داشته است (Vaynberg, 1977.p.41).

که عمدتاً سکه های آزکاتسوار-چگان را مجدداً ضرب کرده است. در منطقه خوارزم، سکه هایی با این تمغا کمتر کشف شده اند و با بررسی بخش فوقانی تمغاهای

تمغای (T13) :



این تمغا برخلاف تمغای سستی خوارزم، در بخش پائینی کمی تغییر شکل یافته و احتمالاً این امر بیانگر تغییر شکل گرافیکی است که توسط برخی حکاکان مهر انجام شده است. این گونه تمغا با چنین نقشی را می توان بر روی برخی سکه های نقره ای شاه ساوشافان-شائوشافار^{۱۳} متعلق به اواسط قرن هشتم که دارای کیفیت پائینی است و نیز بر روی سکه های مسی کمیاب دارای تصویر اسب بر روی سکه، متعلق به اواسط قرن هشتم که در یکی از متصرفات ویژه خوارزم ضرب شده است مشاهده کرد (Vaynberg, 1977.p.41).

تمغای (T14) :



ثبت شده که بیشتر این تمغاها به منزله نشانه های سلسله ای و اجدادی شاهان خوارزم محسوب می-شوند. در تمغاهای سرزمین خوارزم، تغییرات شکل تمغا در هنگام انتقال از یک شاه به شاه دیگر به مانند قبل باقی مانده و دستخوش تغییر نمی شوند ولیکن تغییر یک تمغا و تمایز آن با تمغای دیگر فقط به سبب تحولات در خاندان ها و سلسله های شاهی رخ می دهد. چرخش شاخه بالایی که در برخی از تمغاها به سمت راست و یا چپ خلاصه می شود، احتمالاً بیانگر مالکیت تمغا به خانواده ها و یا شاخه های سلسله است. همانطور که اشاره شد، تمغاهای T₁ تا T₅ جزو تمغاهای اصلی محسوب می شوند و در میان تمامی تمغاها، تمغای T₄ تا قرن نهم میلادی به عنوان تمغای

این نوع تمغا فقط بر روی مجموعه کوچکی از سکه های مسی ظاهر شده که توسط شاه شائوشافار ضرب شده بودند و یا احتمالاً حاکم کردر آن را از روی نقش سکه های شائوشافار تقلید و ضرب کرده است (Vaynberg, 1977.p.38).

نتیجه گیری

عصر خوارزمی از حدود قرن نخست تا پایان قرن نهم میلادی را شامل می شود و در این دوره نقوش تمغا بر روی سکه های سرزمین خوارزم باستان ضرب می شد. واژه تمغا از زبان اویغوری به زبان مغولی راه یافته و معمولاً از آن به عنوان واژه ای مغولی-ترکی یاد می-شود. در پشت سکه های خوارزم باستان ۱۴ نوع تمغا

^{۱۳} نام شاه ساوشافان بر روی سکه های خوارزم ضرب شده و در فهرست ابوریحان بیرونی با نام «شائوشافار» از او یاد می شود. ر.ک. Vaynberg, 1977.p.81.

مطالعه و بررسی تمغاهای سکه‌های....

- معین، محمد، ۱۳۶۰، فرهنگ فارسی، جلد اول، نشر سی گل، تهران.

- یارشاطر، احسان، ۱۳۳۱، «آثار بازیافته زبان خوارزمی»، مجله مهر، سال هشتم، شماره دهم، ص ۵۸۴-۵۸۵.

- Бичурин, Н. Я. , 1950 : "Собрание сведений о народах, обитавших в средней Азии в древние времена", изд. 2, т. II, ленинград.

- Борисов, А. Я. , Луконин, В. Г. , 1963 : "Сасанидские геммы", ленинград.

-григорьев, Г. В. 1935 : "Отчёт об археологической разведке в янгиульском районе узбекской сср в 1934 г.", ташкент.

-григорьев, Г. В. 1948: "Келесская степь в археологическом отношении (к культуры древних саков)", «Известия Академии наук» казср, No.46, серия археол., вып.1.

-Livshits, V. A, Луконин, В. Г. 1964 : "Среднеперсидские и согдийские надписи на серебряных сосудах",—«вестник древней истории»,No.р.москва.

-Литвинский, Б. А. 1968:"Сарматско- кангюйский фарн", душанбе.

-Массон,м.и,1953 "Редкая среднеазиатская монета из собрания Государственного

سنتی در سکه‌هایی از جنس نقره باقی ماند. ابوریحان بیرونی سلسله‌ای را که مالک و صاحب این تمغا محسوب می‌شود را سلسله «سیاوشیان» و ابن‌خردادبه «خوارزمشاهیان» نامیده است. تمغاهای T₆ تا T₁₂ را تحت عنوان «تمغاهای بیگانگان» در این سرزمین می‌شناسند که یا به تقلید از ساسانیان ضرب شده‌اند و یا تغییر شکلی گرافیکی است که توسط حکاکان مهر صورت گرفته است. تمغاهای T₁₃ , T₁₄ نیز به دلیل شباهت با تمغاهای اصلی خوارزم دارای پیوستگی هستند.

منابع

- آبادی باویل، محمد، ۱۳۵۱، «تمغا»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۱۰۵، ص ۴۷۹-۴۹۹.

- فرای، ریچارد، ۱۳۸۰، تاریخ باستانی ایران، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

- فرای، ریچارد، ۱۳۸۵، میراث باستانی ایران، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

- فرخ، کاوه، ۱۳۸۸، اسواران ساسانی ۲۴۴ تا ۶۴۲ میلادی، ترجمه: یوسف امیری، نشر گل آفتاب، مشهد.

- کیوانی، مجدالدین، ۱۳۷۴، «آل تمغا»، دائره المعارف بزرگ اسلامی، جلد اول، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران.

- لغت نامه دهخدا.

«Нумизматический сборник
государственный Исторический
музей», вып. III, ч.IV, москва.

-Вайнберг, Б.И., 1977: "*Monety
drevnego khorezma*", Moscow.

-зеймал, Е. В., 1983 : "*The political
history of Transoxiana*", in:
Cambridge History of Iran, ed. E.
yarshater, vol. 3 (1). P. 232-250.

Эрмитажа", —«Вестник
древней истории», No. 2 , москва.

-Массон, м.и., 1955 : "*Денежное
хозяйство древней средней азии
по нумизматическим данным*", -
«вестник древней истории» ,
No.2. москва.

-Массон, м.и., 1966 : "*хорезм и
кушаны (некоторые вопросы
хорезмийской нумизматики)*", —
эпиграфика востока, XVII.
москва-ленинград. p.76-84.

-Смирнова, О. Н. 1958 : "*Монеты
древнего пенджикента*", -труды
таджикской Археологической
экспедиции , т. III, москва-
ленинград. p. 222 - 247.

-Соломоник . Э. И. 1959
: "*Сарматские знаки северного
причерноморья*", No. 42. киев.

-Толстов, С. П. 1938 : "*Монеты
шахов древнего хорезма и
древнехорезмийский алфавит*
", «вестник древней истории» , No.
4 (5). москва.

-Толстов, С. П. 1948: "*Drevniy
khorezm*", opyt istoriko –
arkheologicheskogo issledovaniya.
Moscow.

-Толстов, С. П. 1963 : "*Date
Documents from the Toprak–kala
Palaeae and The probleme of the
, "«shaka Era» and «kanishka Eva»
- «Bibliotteca Orientalis», Jg. Xx,
no. 5-6, sept. –nov. , p.220-235.*

Вайнберг, Б. И., 1971 :
"*Эфталитская династия
Чаганиана и Хорезм*", —